

Causation in Pashto Language

Ismatullah Miakhil^{1*}  & Mohammad Dabir Moghadam² 

Vol. 16, No. 6, Tome 90
pp. 399-421
January & February
2026

Abstract

There are Synthetic Causatives and Syntactic Causatives in Pashto language. Pashto language is one of Iranian language which is mostly spoken in Afghanistan and Pakistan. It is an SOV language. According to our Thought this issue need an Explanation. The Explanation about Causative in Pashto Textbook are not enough therefor I want to explain this issue. The Goal of This Article is clear which is discussing about Causative in Pashto. Student and Teachers of the named language will take Profit of it because there is not a Source which has more explanation about. The method of research is: beside Example Explanation, I wrote them with Phonetic Alphabets and numbered the Examples. There is every Word meaning and Specification below the words. The article gained from more resources and selected 91 Examples from more than 1000 written examples. The Sampling of research is done as (dabir moghadam 2020). I concluded that Causative in Pashto is complicated than Persian language. Besides the (aw) affix we use (pô.pôr) and (war bānde, pre) in Pashto Causatives.

Keywords: Causative in Pashto, Synthetic Causative, Lexical Causative, Pashto and Dari.

Received: 3 December 2022
Received in revised form: 27 April 2023
Accepted: 30 May 2023

Corresponding Author, lecturer, Pashto department, Nangerhar University, jalalabad, Afghanistan; ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0003-3424-4786>;

Email: miakhilismatullah30@gmail.com

² Professor, linguistic department, Faculty of literature and Foreign languages, Allameh Tabatabaie University, Tehran, Iran; ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0002-9504-0376>

1. Introduction

The causative status of verbs in Pashto language is not subject to a specific principle. This language does not have a specific causative suffix, but it accepts different or diverse statuses in different cases. In this status usually uses (prefix) and make causative. We use adverbs and make causative. intransitive verbs become transitive verbs, and we make transitive again transitive to become Causative. Causative in Pashto is also complex compared to Persian and does not depend on a principle or a root, but has a different status. For causative in Pashto, both the Preposition and the postposition are used, and an auxiliary verb is also used for this type of construction. Non-causative or intransitive verbs that are formed with the auxiliary verb *kedəl* or *edəl*, their auxiliary verb part must be converted to *kawəl* or *awəl* in transitive or causative construction. This means that the situation of causation in Pashto is not fixed, but rather varies.

Research Question(s)

The main research question of this study can be formulated as follows:

Does the Pashto language have a causal structure and what principles are there for constructing a causal structure in the Pashto language?

2. Literature Review

For this article, the scientific research of Dabir Moghadam (2019) has been considered, one section of which is called (Causal Structures in Persian). Considering the same principles and rules, we have found examples for the Pashto language.

3. Methodology

This is a field study and a descriptive analytical method was used to explain the data. First, the data was collected, then it was studied. Sampling was done

and the required items were analyzed. The dialect of several Pashto speakers was also studied to obtain more data. After sampling, we found examples for each principle and issue, and then we transcribed them. The sentences in the study were transcribed both phonetically and semantically. We highlighted the causal part of the sentence and the general meaning of the sentence was also mentioned in single quotes.

4. Results

The structure of Pashto is complex from Persian. Persian uses causative suffixes, but Pashto has a different situation. The suffix (-aw), the Particles (wə, pre, bānde), and the participle (awəl), or (kawəl) of the verb make the verb transitive and then transitive again, that is, causative. The rate of occurrence of auxiliary causatives in Pashto is higher because it comes with most verbs and makes the verb transitive. Most of the causatives used in Persian are also found in Pashto, but there are differences between this two languages. In this language, we have one-clause and two-clause causatives of both types (Morphological and syntactic). We absolutely cannot say which is more common, but syntactic ones are used more in the media and in translation books. The language also uses Particles and adverbs that are used for cause and effect. In Pashto, there are both compound causative and lexical causative structures. So it turns out that the causation status of verbs in Pashto is not subject to a specific principle. Pashto does not have a specific causative suffix, but it accepts different statuses in different cases.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



دوماهنامه بین‌المللی

د ۱۶، ش ۶ (پیاپی ۹۰)، بهمن و اسفند ۱۴۰۴، صص ۳۹۹-۴۲۱

مقاله پژوهشی

https://lrr.modares.ac.ir/article_7141.html

سببی‌سازی در زبان پشتو

عصمت‌الله میاخیل^{۱*}، محمد دبیرمقدم^۲

۱. استاد دانشگاه ننگرهار افغانستان

۲. استاد گروه زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۱۲

چکیده

زبان پشتو یکی از زبان‌های ایرانی است که درباره آن پژوهش‌های زبان‌شناختی اندکی صورت گرفته است. سببی‌سازی در زبان پشتو نیاز به توضیح بیشتر دارد، زیرا این مسئله از اهمیت زیادی برخوردار است، اما در کتاب‌های دستور زبان پشتو و زبان‌شناختی این زبان توجه لازم به این مسئله نشده است. از این رو بررسی و پژوهش سببی‌سازی در این زبان از اهمیت خاصی برخوردار است. هدف از این پژوهش توصیف مقوله سببی‌سازی زبان پشتو است. داده‌های مورد نیاز این تحقیق از آثار و گویشوران این زبان براساس پژوهش دبیرمقدم (۱۳۹۹) انجام شده است. روش تحقیق این نوشتار علاوه بر توصیف سببی‌سازی، مبتنی بر مثال‌های زبان پشتو است که آوانویسی و معنا‌گزاری شده است. نمونه‌های این متن از میان صدها جمله انتخاب شده و مورد تحلیل و تجزیه قرار گرفته است. مسئله مهم، بازنمایی ساخت سببی در زبان پشتو است که چگونه انجام می‌شود؟ زبان پشتو ازجمله زبان‌های فاعل - مفعول - فعل است و سببی‌سازی در این زبان به شکل صرفی و نحوی وجود دارد. این پژوهش بر اساس نظریه رده‌شناسی به تحلیل داده‌ها پرداخته است. سببی‌سازی زبان در پشتو نسبت به زبان فارسی پیچیده است؛ چون از یک اصل مشخص پیروی نمی‌کند. در سببی صرفی علاوه بر وند (aw) از پیش اضافه‌های (pθ, pθr) و (war bānde, pre) کار گرفته می‌شود. میزان زایایی سببی‌های کمکی در زبان پشتو بیشتر است چون با بیشتر افعال می‌آید و فعل را متعدی می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: سببی در پشتو، سببی ترکیبی، سببی واژگانی، پشتو و دری.

۱. مقدمه

در مقاله حاضر از سببی^۱ در زبان پشتو بحث می‌شود. زبان پشتو یکی از زبان‌های شرقی ایرانی است که به ترتیب واژه‌بنیادی در بندهای مستقل، هم‌پایه و وابسته (فاعل-مفعول-فعل) است. رسم‌الخط این زبان عین زبان فارسی و عربی از راست به سمت چپ است. در این زبان نسبت به فارسی و عربی ۸ حرف خاص وجود دارد که همه آن همخوان‌اند. این واج‌ها عبارت‌اند از: (ṣ - d - ṇ - z - r - t - dz - ts) که از جمله (ts - dz) به صورت ترکیبی، (d - ṇ - r - t) برگشتی، (ṣz) به صورت ساییده ادا می‌شود. در این زبان (ی) هم به چهار نوع (ay - i - əy - e) نوشته می‌شود. در زبان پشتو شوا (ə) هم وجود دارد که معمولاً در کلمه‌های جنس مذکر مفرد یا جمع می‌آید.

ساخت‌های سببی به مجموعه جملاتی اطلاق می‌شود که در آن شخصی، حادثه‌ای، یا پدیده‌ای که در این مقاله سبب یا سبب‌ساز خوانده می‌شود محرک و انگیزه‌ای می‌گردد تا شخص دیگری یا شیئی که در این مقاله سبب‌پذیر^۲ نامیده می‌شود عملی را انجام دهد، پذیرای حالتی شود، یا در حالتی باقی بماند (دبیر مقدم، ۱۳۹۹، ص. ۵۹). سببی‌سازی در زبان پشتو به گونه‌ای انجام می‌شود که یک فعل را دوبار متعدی می‌کند. این ساخت در زبان پشتو به تناسب زبان فارسی پیچیده است، زیرا در این ساخت وند خاص به کار برده نمی‌شود بلکه گاهی در قالب پیشوند و گاهی در قالب پسوند و فعل کمکی ظاهر می‌شود. در زبان فارسی برای سببی‌سازی مثلاً وند «آن» را با فعل یکجا می‌کنیم و فعل را سببی می‌سازیم؛ اما در زبان پشتو گاهی پسوند و گاهی ادات با فعل یکجا می‌شود و گاهی فعل کمکی‌ای که با یک فعل می‌آید در حالت سببی بودن، شکل خود را تبدیل می‌کند. یعنی kedəθ «شدن» تبدیل می‌شود به kawəθ «کردن».

پژوهش حاضر به ترتیب، موضوعات سببی ترکیبی با زیربخش‌های سببی‌های فاعلی - التزامی، سببی‌های اجازه‌ای، سببی‌های مفعولی التزامی و ساخت‌های سببی واژگانی با زیربخش‌های سببی‌های ریشه‌ای، سببی‌های تکواژی، سببی‌های کمکی را در زبان پشتو به بررسی گرفته است.

۲. پیشینه پژوهش

فعل سببی متعدی است ولی هر فعل متعدی الزاماً سببی نیست. فعل‌های متعدی همه یک نوع نیستند؛ بلکه ویژگی‌های جداگانه دارند. در زبان پشتو بر ساخت سببی آثار خاص و قابل توجه پدید نیامده است، ولی در لابه‌لای برخی از متون نمونه‌هایی ذکر شده است.

هربرت پنزل^۳ (2010) در اثرش «د پشتو گرامر» یا «دستور زبان پشتو» در این باره به صورت متفرقه اشاره‌هایی دارد. وی در نگاشته خود خیلی کوتاه و موجز درباره فعل سببی صحبت کرده است. پنزل سببی را متعدی خوانده است، همچنین گفته است که افعال سببی از افعال لازمی هم تشکیل می‌شود. بعضی از افعال سببی از ریشه حال افعال لازمی به وجود می‌آید. برای مثال: (xežawðm) یعنی «برمی‌خیزانم» از ((xežðm)، (aludžawðm) یعنی «پرواز می‌دهم» از (aludžðm)، (kšenawðm) یعنی «می‌نشانم» از (kšenðm) و دیگر افعال. این دست‌نویس بیشتر به این مبحث پرداخته است.

رشتین^۴ (۱۳۷۲) در کتاب پشتو گرامر^۵ درباره جملات سببی نکاتی را بیان کرده است، اما این دست‌نویس هم به بحث سببی‌سازی و انواع آن ورود پیدا نکرده است؛ بلکه صرفاً درباره جملات سببی توضیحات داده است.

زیار^۶ (۱۳۸۴) در کتاب معروفش «پشتو پشویه pðšto pşoya» یا «دستور زبان پشتو» در این باره یادداشت‌هایی دارد. این دست‌نویس می‌گوید که ساخت سببی توسط وند (-aw) ساخته می‌شود و یک فعل متعدی را دوباره متعدی می‌کند.

به نظر نگارندگان این مقاله، درباره سببی‌سازی و انواع سببی‌سازی به صورت مفصل هنوز کاری صورت نگرفته است. این پژوهش سببی‌سازی را مفصلاً توضیح داده است که قبلاً در منابع زبان پشتو تا این اندازه تحقیق صورت نگرفته است. پژوهش حاضر در واقع به عنوان نیاز جامعه، گویشوران و خوانندگان آثار زبان پشتو انجام شده است.

۳. مبانی نظری

این مقاله بر اساس تحقیق علمی دبیرمقدم (۱۳۹۹) انجام شده است که یک بخش آن با نام «ساخت‌های سببی در زبان فارسی» است. این تحقیق در اثر زبان‌شناسی: منظری ایرانی از صفحه ۵۸ تا صفحه ۱۲۲ آمده است. همین اصول و قواعد را در نظر گرفته برای زبان پشتو مصادیق پیدا نموده و توضیح آن را هم نوشته‌ایم. نگاشته حاضر در ذات خود یک مقایسه هم هست، چون یک پژوهش زبان فارسی را بر زبان پشتو پیاده کرده‌ایم. مقاله حاضر مبنی بر چارچوب دبیر مقدم (۱۳۹۹) چنین بررسی شده است:

سببی‌های ترکیبی

الف: سببی‌های فاعلی - التزامی

۱. سببی‌های مقید

۲. سببی‌های اجازه‌ای

ب: سببی‌های مفعولی

۳. سببی‌های اجباری

سببی‌های واژگانی

ج: سببی‌های ریشه‌ای

د: سببی‌های تکراری

ه. سببی‌های کمکی

۴. روش تحقیق

در این پژوهش بر اساس داده‌های به دست آمده و کاربرد شیوه نمونه‌گیری مسئله سببی‌سازی مورد تحلیل و تجزیه قرار گرفته است. افزون بر آن، گویش چند نفر از گویشوران زبان پشتو هم برای به دست آوردن داده‌های بیشتر به بررسی گرفته شده است. بعد از نمونه‌گیری برای هر اصل و مسئله نمونه‌هایی ذکر و سپس آوانویسی شده است. همچنان جملات آوانویسی و معنی شده است. بخش سببی‌سازی جمله را برجسته کرده ایم و معنی کلی جمله هم در تک‌گیمه ذکر شده است. بنا بر در نظر داشت چارچوب نظری توضیح داده‌ایم که بازنمایی سببی در زبان پشتو چگونه است و چه تفاوتی با سببی‌سازی در زبان فارسی دارد.

پژوهش حاضر به سؤالات ذیل جواب خواهد داد:

الف: سببی‌سازی در زبان پشتو چگونه بازنمایی می‌شود؟

ب: تفاوت‌ها و تشابهات سببی‌سازی در زبان پشتو نسبت به فارسی چگونه است؟

فرضیه تحقیق مطابق به سؤالات در دو جمله نوشته شده است:

به نظر می‌رسد که:

الف: سببی‌سازی در زبان پشتو از یک وند خاص پیروی نمی‌کند.

ب: با این که زبان پشتو از زبان‌های ایرانی است ولی سببی‌سازی آن مثل زبان فارسی نیست.

۵. ساخت‌های سببی

ویلی^۷ رابطه‌ای را که در آن تصور می‌رود یک رخداد سبب وقوع رخداد دیگر می‌شود، سببی‌سازی می‌نامد (زاهدی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۱). سببی‌سازی یکی از مسائل مورد بررسی نقشگرایی از دیدگاه ون‌ولین است. در چنین دیدگاهی ساخت سببی جزو جهانی‌های زبان است و در همهٔ زبان‌ها به روشی و با ساخت‌های دستوری ویژه‌ای نمود پیدا می‌کند (نبی‌فر، ۱۳۹۵، ص. ۲۲۴).
در این نوشتار درمورد سببی‌سازی توضیحاتی ذکر شده است و سببی‌سازی را در دو کلان‌بخش «سببی ترکیبی» و «سببی‌های واژگانی» تقسیم کرده است که هر کدام از این دو، زیربخش‌هایی هم دارد.

۵-۱. سببی ترکیبی

فعل سببی ترکیبی اصطلاحاً به فعلی اطلاق می‌شود که احتیاج به یک جملهٔ متمم دارد. یا به عبارت دیگر ساختی است که فعل در آن، همیشه دارای یک جملهٔ پایه و یک جملهٔ پیرو است. جملهٔ متمم تمام ساخت‌های سببی ترکیبی در زبان پشتو توسط نشانهٔ متمم «^۸čč» از جملهٔ اصلی، متمایز می‌شود و فعل آن از وجه التزامی است. فعل‌های سببی ترکیبی براساس تضمن معنای ضمنی به سه گروه «دارای معنای ضمنی مثبت»، «دارای معنای ضمنی منفی» و «فاقد معنای ضمنی» تقسیم‌بندی شده است. معنای ضمنی مثبت مانند فعل که متضمن وقوع جملهٔ متمم است. به همین روال، فعل دارای معنای ضمنی منفی، به فعلی گفته می‌شود که متضمن نفی وقوع جملهٔ متمم است و درنهایت فعل فاقد معنای ضمنی، به فعلی دلالت دارد که نه متضمن وقوع و نه متضمن نفی وقوع جملهٔ متمم است (دبیرمقدم، ۱۳۹۹، صص. ۶۱-۶۲).

به کار بستن ملاک فوق در مورد افعال زبان پشتو سه گروه زیر را به دست می‌دهد:

lâmel kedΘl	preṣodΘl	ar kawΘl	دارای معنای ضمنی مثبت
باعث شدن	گذاشتن	مجبور کردن	
mΘxa niwΘl	mana kawΘl	mΘxniway kawΘl	دارای معنای ضمنی منفی
جلو گرفتن	منع کردن	جلوگیری کردن	
wayΘl	hila kawΘl	amar kawΘl	فاقد معنای ضمنی
گفتن	خواهش کردن	امر کردن	

در جملات زیر را مشاهده کنید که فعل اصلی آن دارای معنای ضمنی است یا در نقش فاعلی یا در نقش مفعولی.

1a. dƏ	bâywân	nƏ pâm̌larƏna	dƏ	de	Lâmel
اضافه	باغبان	بی توجهی	اضافه	ضمیر اشاری	باعث
šwa	če	com[bâd	zƏmâ	dƏ	xwəşə
شد	که	باد[متمم	از من	اضافه	علاقه
gwƏlân	mṛâwi	kṛi]			
گلها	پژمرده	کند			

«بی توجهی باغبان باعث این شد که باد گل‌های مورد علاقه مرا پژمرده کند.»

b. aw, bâd	zƏmâ	dƏ	xwəşə	gwƏlân	mṛâwi	kṛƏl.
... و باد	از من	اضافه	علاقه	گلها	پژمرده	کرد
«و باد گل‌های مورد علاقه مرا پژمرده کرد.»						
c. aw, bâd	zƏmâ	dƏ	xwəşə	gwƏlân	mṛâwi	..nƏ
						kṛƏl
	و باد...	از من	اضافه	علاقه	گلها	پژمرده نکرد
«و باد گل‌های مورد علاقه مرا پژمرده نکرد.»						

جمله «ب» دارای معنای ضمنی مثبت و جمله «ج» دارای معنای ضمنی منفی است.

ساخت‌هایی که فعل آن فاقد معنای ضمنی است، سبب‌پذیر با حروف اضافه «lƏ» یا «dƏ» می‌آید، یعنی نقشی غیر از نقش فاعلی یا مفعول مستقیم دارد.

2a.mâ	lƏ	hayƏ	hila	kṛa _ wƏ
من	از	اون	خواهش	کردن _ مطلقیت
tƏr _tso		Comp [tam	ši].	
تا که		منتظر ماندن	[شود.	

«من از اون خواهش کردم تا منتظر بماند.»

b. aw	hayΘ	tam	šo.	مترادف است با جمله متمم
و	اون	منتظر	شد	
				«و اون منتظر ماند.»
C. xo	hayΘ	tam	z	((منفی با جمله متمم است ولی
و	اون	منتظر	شدن/ نفی	تضاد معنایی ندارد)).
				«و اون منتظر نماند.»

. افعال سببی ترکیبی معنای ضمنی مثبت

این گونه افعال را به دو گروه تقسیم می‌کند:

الف: سببی‌های فاعلی التزامی: که خود به دو گروه تقسیم می‌شود:

- سببی‌های غیرمقید. Lâmel kedΘl

- سببی‌های اجازه‌ای. ejâza warkawΘl , prešodΘl گذاشتن و اجازه دادن.

ب: سببی‌های مفعولی - التزامی. این افعال را سببی‌های اجباری نام می‌نهم. سببی‌های اجباری مثلاً: majbura kawΘl مجبور کردن.

۵-۱-۱. سببی‌های فاعلی - التزامی

سببی‌های غیرمقید

در زبان پشتو افعال سببی با معنای مشابه وجود دارد که گروه افعال سببی غیرمقید را تشکیل می‌دهد. این افعال از گونه‌های افعال مرکب اند. اولین گروه که فعل‌های مرکب «اسم» است و دومین عنصر فعل کمکی kedΘl یعنی شدن است. این افعال لازم‌اند: باعث شدن lâmel kedΘl، باعث شدن bâ?eΘ kedΘl.

در زبان پشتو فعل «lâmel kedΘl» یعنی «باعث شدن» را اگر در نظر بگیریم، متمم اسمی را در ژرف ساخت بین دو سازه lamel kedΘl مطمئناً نمی‌توانیم بیاوریم چون این فعل مرکب لازمی باید به صورت

یکپارچه بیاید. مثال‌های زیر:

3.bâywân	dΘ	de	<u>lâmel</u>	šo
باغبان	اضافه	ضمیر	باعث	شد
če	com[bâd	zΘmâ	dΘ	xwase
که	باد	از من	اضافه	علاقه
gwΘlân	mřâwi	kři]		

کند	پژمرده	گل‌ها	
«باغبان باعث این شد که باد گل‌های مورد علاقه مرا خشک کند.»			
šo.	lâmel	ye	4.bâywân
شد	علت/باعث	غایب	باغبان

«باغبان باعث شد.»

در زبان معیار و نوشتاری جملهٔ متمم بعد از فعل مرکب lâmel kedΘl می‌آید، البته می‌توانیم مواردی مثل ضمیر (ye, dΘde...) بین فعل lâmel kedΘl / bâ?eΘ kedΘl بیاید که در جملات فوق دیده می‌شود و این‌ها گونه‌های طبیعی هستند. پس فعل lâmel kedΘl را به‌صورت یکپارچه یا قبل و یا بعد از متمم می‌توانیم بیاریم ولی آوردن متمم در وسط این فعل سببی مرکب نادرستی است. ضمائر و بعضی از عبارات و ترکیب‌ها را می‌توانیم در صورت نیاز در وسط آن بیاوریم. مثلاً:

5. lâmel ye tsok šo ? «کی باعث شد؟»

شد چه کسی ض غایب باعث

Lâmel ye dΘ lâre pΘr sar osedunkay šo.
شد باشند سر پیش اضافه راه اضافه ض غایب باعث

«باشنده سر راه باعث شد.»

lamel ye duy šwΘl «آنها باعث شدند»
شدند آنها ض غایب باعث

سببی‌های اجازه‌ای

«سببی‌های اجازه‌ای» حالتی است که سبب‌ساز یا فعالانه راه را برای فعالیت سبب‌پذیر باز می‌کند یا از او در انجام کاری ممانعت به عمل نمی‌آورد (دبیرمقدم، ۱۳۹۹، ص. ۷۲). در زبان پشتو این مفهوم توسط افعال (prešodΘl, ejâza warkawΘl) بیان می‌گردد. افعال (wΘrsara manΘl, waxt warkawΘl) هم می‌تواند این مفهوم را برساند. حالا صورت‌های مختلف جملهٔ متمم در سببی‌های اجازه‌ای را بررسی می‌کنیم.

6a. zârΘ	sari	ta - de	Θm - prešod	če comp[zΘ
پیر	مرد	برای این	ض متکلم - گذاشتن	من [متمم که
haya	sarak - dΘ	haye	ŷâre - ta	Θm. - bodz
اون	خیابان - از	اون	پس اضافه - کنار	ض متکلم - بردن

«پیرمرد برای این مرا گذاشت که او را اون سمت خیابان ببرم.»

b. zârΘ	sari	zΘ	Θm ⁹ - prešod	če _{comp} [Θ
پیر	مرد	من	ش ۱ - گذاشت	Θ [متمم که
haya	sarak - dΘ	haye	ŷâre - ta	Θm. - bodz
اون	خیابان - از	اون	پس اضافه - کنار	ش ۱ - بردن

«پیرمرد مرا گذاشت که او را اون سمت خیابان ببرم.»

فعل (prešodΘl) از نظر مشخصه زیرمقوله‌ای، مقید است، زیرا تنها متممی را که به صورت یک جمله تمام است می‌پذیرد. اگر کاری کنیم که فعل (prešodΘl) آن را نپذیرد، نادرستی است.

۵-۱-۲. سببی‌های مفعولی - التزامی

در بخش سببی‌های مفعولی - التزامی اول از سببی‌های اجباری یادآوری می‌کنیم. افعالی که در زبان پشتو از آن برای بیان ساخت سببی اجباری استفاده می‌شود، مثلاً: (ar kawΘl, majbura kawΘl) یعنی مجبورکردن) حتی (yaw kar pre kawΘl, yaw kar warbânde kawΘl)، یعنی هم به طور (تکواژ آزاد+ فعل) و هم به طور (پیشوند+ فعل) ساخته می‌شود. این‌ها در مقوله‌های فعل مرکب به شمار می‌آید. این گونه افعال جملگی مفهوم سببی اجباری را بیان می‌کند. البته میزان اجبار در این افعال بیشتر و کمتر است.

7. šowunki ¹⁰ ,	z dakawunkay	ar kΘr	če _{comp} [lwast
معلم	شاگرد	مجبور کرد	درس [متمم که
ye	lwali. - wΘ		
ضمیرغایب	بخواند - مطلق		

«معلم شاگردش را مجبور ساخت که درسش را بخواند.»

از این جملات معلوم می‌شود که معمولاً جمله متمم پس از فعل اصلی می‌آید. قبل از فعل «در صورت‌های غیرمهم و تحت تأثیر ترجمه» می‌آورند ولی نباید فعل مرکب را از هم بپاشد، برای این که جمله را ناخوشایند و حتی نادرستی می‌کند.

فعل ar kṛΘl یا مجبور کردن فعلی است که سبب‌های اجباری و متممی را می‌پذیرد و حاکی از «کنش» است. فعل ar kṛΘl یا مجبورکردن یعنی فعل مرکب که دو بخش دارد و هر بخش آن تکواژ آزاد است و

معنای جداگانه هم دارد. هروقت آن را در جمله به کار می‌بریم، در زبان پشتو نباید بین آن یک جمله متمم را وارد کنیم و این افعال مرکب باید به شکل کاملاً هم‌بسته به کار برده شود.

8.malaləy kočnyān aṛ kṛəḷ čə comp[xoʃhala osi.
ملالی بچه‌ها مجبور کرد خوش [متمم که باشد

«ملالی بچه‌ها را مجبور ساخت که خوشحال باشند».

این جمله نادرستی است برای این که فعل سببی اجباری aṛ kawəḷ یا مجبور کردن متمم حاکی از کنشی ندارد.

۵-۲. ساخت‌های سببی واژگانی

در این مقاله ساخت‌های سببی واژگانی به ساخت‌هایی اطلاق می‌شود که عمل سببی و پیامد آن مجموعاً به صورت یک جمله منفرد و ساده ابراز می‌شود. از این رو سبب‌پذیر در این ساخت‌ها یا به صورت مفعول مستقیم یا در نقش مفعول غیرمستقیم ظاهر می‌شود (دبیرمقدم، ۱۳۹۹، ص. ۸۹). افعالی که در ساخت‌های سببی واژگانی ظاهر می‌شود، از نظر تکواژی به یکی از سه گروه (سببی‌های ریشه‌ای، سببی‌های تکواژی، سببی‌های کمکی) متعلق هستند.

۵-۲-۱. سببی‌های ریشه‌ای

سببی‌های ریشه‌ای به فعل‌هایی گفته می‌شود که از جنبه معنایی سببی است، اما فاقد تکواژی قابل تفکیک است که منطبق با معنای سببی باشد.

8.	سببی	غیرسببی
	awəḷ - pax پختن	awəḷ - pax پختن
	kawəḷ - məṛ کشتن	kedəḷ - məṛ مردن
	lawəḷ - ywərdz انداختن	ledəḷ - ywərdz افتادن
	or war ačawəḷ آتش زدن	or axistəḷ آتش گرفتن

9.a hendāra	māta	šwa.
آیین	شکسته	شد

«آیین شکست».

9b. atsəḷk	hendāra	māta	kṛa.
------------	---------	------	------

کرد	شکسته	آئینه/مفعول	اسک/فاعل
«اسک آئینه را شکاند.»			
γwθrdzawθ. - wθ	râ ¹¹	kočnay	10a. malâlθy
انداخت	ضمیر	بچه	ملالی
«ملالی بچه را انداخت. مثلاً از بام»			

γwθrdzawθla. - wθ	râ	dabara	b. malâlθy
انداخت	ضمیر	سنگ	ملالی
«ملالی سنگ را انداخت. مثلاً از پشت بام»			
در جمله «۱۰ الف» سبب‌پذیر جاندار و در جمله «۱۰ ب» بی‌جان است.			

۵-۲-۲. سببی‌های تکراری

بنا بر دلایل زیار (۱۳۸۴) در زبان پشتو فعل سببی نوعی از فعل Verbal Action of Form است که مثل فعل متعدی و لازمی یک نوع فعل را نشان می‌دهد. مثل فعل متعدی با پسوند (aw -) ساخته می‌شود و یک فعل متعدی را برای بار دوم متعدی می‌کند. مثل زبان فارسی که در این زبان از هر فعل با پسوند (آن -) ساخته می‌شود. زبان پشتو بر اساس تحقیقاتی که انجام داده‌ایم، در گویش نگرهار^{۱۲} دو فعل متعدی سببی دارد (زیار، ۱۳۸۴، ص. ۱۶۲).

مثال: یعنی xwarawθl خوراندن او و ویول wayiyawθl یعنی گویاندن^{۱۳}. (lwalawθl) «یعنی یک چیزی را برای کسی خواندن» این فعل هم در همین ردیف قرار گرفته است. در دیگر افعال این گونه بیانات و توضیحات فقط با «ادات» یا به عبارت دیگر توسط ترکیب پیشوندی «Phrase» انجام می‌شود. مثلاً:

manθla. - wθ	xabθra	xpθla	zθlmi	pθr	11. mâ
قبولاندم	حرف	ازخودم	زلمی/مفعول	بر	من/فاعل
«من حرف خودم را بر زلمی قبولاندم.»					

بر همین‌اساس یک فعل سببی دو فاعل و دو مفعول دارد. مثلاً: در جمله بالا «mâ» و «zθlmi» فاعل‌ها و «xpθla xabθra» مفعول اند. و در یک زمان «zθlmi» و «xabθra xpθla» هر دو مفعول اند. بعضی افعال «حکمی متعدی» بدون ادات هم وظیفه متعدی‌معلوم را انجام می‌دهد. مثلاً:

12. mā... žarawƏla - wƏ /xandawƏla - wƏ dzyalawƏla - /wƏ
 دواندم (یک کسی را) خنداندم گریاندم من/فاعل
 «من ... را گریاندم/خنداندم، دواندم.»

13. zƏlmi dɔrxanƏy pƏr xabƏro wasta. - rā
 آورد - ضمیرسمتی حرف زدن بر درخانی/مفعول زلمی/فاعل
 «زلمی، درخانی را به حرف زدن آورد یعنی وادارش کرد که حرف بزند.»

ادات «wƏ» اگر با فعل‌ها باشد، وضعیت گذشته یا مطلق را نشان می‌دهد. «awƏl» یا «kawƏl» به معنی «کردن» گونه فعل کمکی متعدی‌ساز است. اگر kawƏl یا awƏl را معیار بگیریم پس ما همه افعالی که توسط فعل کمکی kedƏl «یعنی شدن» ساخته می‌شود، بخش فعل کمکی kedƏl را تبدیل به kawƏl می‌کنیم و فعل را متعدی می‌سازیم.

در مجموعه افعال ذیل همراه با فعل، وند هم آمده است. این شیوه برای همه افعال کاربرد دارد. پسوندهایی که قبلاً ذکرش آمد، با این افعال می‌آید، البته در وقت جمله‌سازی تحت تأثیر بعضی از شرایط قرار می‌گیرد.

غیر سببی	ستاک حال	سببی	14.
alutƏl +	aludz -	aludzawƏl - pre	پراندن
rasedƏl +	rasez	rasawƏl - war	رساندن
ɖaredƏl	ɖârez	ɖârawƏl - pre	ترساندن
tapedƏl +	tapez	tapawƏl	تپاندن
awredƏl ×	awr	awrawƏl - pre	شنواندن
zezedƏl +	zezez	zezawƏl	زاووندن
râgƏrdzedƏl +	râgƏrdzez	râgƏrdzawƏl	بازگشتاندن
tâwedƏl +	tâwez	tâwawƏl	چرخاندن
tsƏredƏl +	tsƏrez	tsƏrawƏl	چراندن
suledƏl	sulez	sulawƏl	مالاندن
tlƏl +	bew/byâ	bewƏl	بردن
+ - xwarƏl	xwar	xwarawƏl	خوراندن

نوشاندن	pre/warbânde ts̤əl	ts̤	نوشیدن	+ ts̤əl
قبولاندن	pre/warbande manəl	man	قبول شدن	manəl
شناساندن	pežandəl - pre	pežan	شناختن	pežandəl

در این گروه از افعال، فعل‌های مثل ts̤əl, manəl داریم که اگر بخواهیم آن را در جملات سببی به کار بندیم، قبل از آن باید همان ادات «pre, warbânde, war» را بیاوریم. آن وقت معنای «قبولاندن، نوشاندن» را خواهد داد. در این افعال دیده شد که افعال غیر سببی یا لازمی که با فعل کمکی kedəl یا edəl ساخته شده است، بخش فعل کمکی آن باید در ساختن متعدی یا سببی تبدیل به kawəl یا awəl شود. اینجا با ذکر چند نمونه به موضوع وضاحت بیشتر داده می‌شود:

15. mâ pər	malâləy	doḡəy	- wə	xwarəla.
من	بر	ملالی/مفعول ۲	نان/مفعول ۱	ادات
				خوراندم
				«من بر ملالی نان را خوراندم.»
16. mâ	xpəla	xabəra	pre	wəmanəla.
من	ازخودم	حرف/ صحبت	بر اون	قبولاندم
				«من بر اون صحبت خودم را قبولاندم.»

فاعل این افعال: «xwarəl, ts̤əl, ayustəl, pohedəl» نه تنها کننده عمل «خوردن، نوشیدن، پوشیدن، فهمیدن» است؛ بلکه خود و نه کسی دیگر از حاصل این رفتارها بهره‌مند می‌گردد. افعال متعدی تمام عیاری همچون «windzəl, lmândzəl, manəl, likəl, fândəl, poštəl, pəṭawəl, wayəl» از سمت چپ به ترتیب به معنی «شستن، برگزارکردن، قبول کردن، نوشتن، دوختن، پرسیدن، دزدیدن یا پنهان کردن، گفتن» است. قبلاً ذکر شد که اگر این افعال را دوباره متعدی کنیم ادات یا پیشوندهایی را برای سببی کردن آن می‌آوریم.

ویژگی دیگر افعال سببی در مجموعه ۱۴ آن است که فاعل این افعال «عامل» است. تمام افعالی که در مجموعه افعال ۱۴ با علامت به علاوه «+» مشخص شده است مؤید این ادعاست. تمام افعالی که در مجموعه ۱۴ بدون هر گونه نشانه است، نشان می‌دهد که فاعل این گروه از افعال غیر سببی پذیر است؛ مثلاً: «شکستن mâtədəl». افعالی که در مجموعه‌ی افعال ۱۴ دارای دو نشانه «یکی به علاوه و یکی تفریق» است دارای فاعل عامل است که در عین حال بهره‌ور نیز هست «ayustəl». تمام افعالی که در مجموعه افعال ۱۴ دارای

نشانه ضرب است فاعل «تجربه‌گر» دارد.

۵-۲-۳. سببی‌های کمکی

ترکیب هر صفت با فعل کمکی «*kedəl, kawəl* یعنی کردن، شدن» یک فعل سببی کمکی را به وجود می‌آورد. برابر غیر سببی فعل کمکی *kawəl* عبارت است از: *kedəl* یا *edəl*. مجموعهٔ افعال ۱۷ معرف رابطهٔ غیرسببی - سببی مورد بحث است.

غیرسببی	معنی	سببی	معنی
<i>tərxedəl</i>	تلخ/تند شدن	<i>tərxawəl</i>	تند کردن
<i>Xapa kedəl</i>	ناراحت شدن	<i>Xapa kawəl</i>	ناراحت کردن
<i>təšedəl</i>	خالی شدن	<i>təšawəl</i>	خالی کردن

جملات ۱۸ رابطهٔ غیرسببی - سببی مورد بحث را نشان می‌دهد:

18a. <i>lailâ</i>	<i>xapa</i>	<i>wa/šwa.</i>	
لیلا	ناراحت	شد/ بود	
			«لیلی ناراحت بود/شد.»
18b. <i>majnun</i>	<i>lailâ</i>	<i>xapa</i>	<i>kṛa.</i>
مجنون	لیلا «را»	ناراحت	کرد
			«مجنون لیلی را ناراحت کرد.»

19a. <i>moṭər</i>	<i>dred. _ wə</i>		
ماشین/فاعل	ایستاد		«ماشین ایستاد شد»
19b. <i>kāmṛān</i>	<i>moṭər</i>	<i>ə. _ draw _ wə</i>	
کامران/فاعل	ماشین/مفعول	ایستاد کرد	
			«کامران ماشین را ایستاد کرد.»

در زبان پشتو اگر جملهٔ لازمی باشد ترتیب آن «فاعل - فعل» است. اگر جمله مفعول داشته باشد «فاعل - مفعول غیرمستقیم - مفعول مستقیم - فعل» ترتیب سازه‌های آن است.

در این زبان توالی «صفت+فعل کمکی» که یک فعل ترکیبی یا مشتق را می‌سازد، اصل‌هایی دارد که اگر فعل کمکی «*kawəl/kedəl*» با صفت یا اسم ترکیب شود که مختوم به «واکه» باشد، واج «ک» موجود در *kawəl/kedəl* حذف نمی‌شود. ولی اگر صفت یا اسم مختوم بر «همخوان» باشد، واج «ک» موجود در

kawƏl/kedƏl حذف می‌شود. ترکیب «صفت یا اسم + فعل کمکی» و «صفت یا اسم + فعل» در زبان پشتو زیاد هست.

در گویش پشتو پیشاور^{۱۰} «aw» در چندین فعل آورده می‌شود تا سببی شود. «wƏxrawa, wəwrawa, wƏtsxawa, wəyundawa» به ترتیب «بخوران، بشنوان، بنوشان، بپوشان» که شکل امری هم است. اگر wƏ یا wā را از آن حذف نماییم، استمرار آن فعل را نشان خواهد داد. این افعال از «xwƏrawƏl, awrawƏl, tsxawƏl, ayundawƏl» به کمک یک پیشوند مطلقیت ساخته شده است. با وجود این، پیشوندهای هم هست که با افعال متعدی می‌آید و ساخت سببی می‌سازد. (pre manƏl, pre warbande manƏl, warbande xwarƏl, warbande xwarəyustƏl... (lwastƏl... (معنی اعمال جبری‌کننده را هم ارائه می‌دهد. دربارهٔ این موضوع در ابتدای این مقاله چند مثال آورده شده است.

در اثر رشتین (۱۹۹۴) «tsƏla, wale» هم برای علت و سبب آمده است، البته وقتی که علت و سبب یک کار را می‌پرسیم، جواب آن با «dƏde lƏ pāra, dƏ de sababa, dƏ de kabala, dƏ de amala» داده می‌شود. همچنان ادات ارتباطی «čə» که نشانهٔ متمم هم است در جملات سببی بین دو جمله می‌آید.

22. hamid	<u>dəde lə pāra</u>	rāyƏlay	day čə
حمید	برای این	آمده	که است
dars	i. _ wāy _ wƏ		
درس	بخواند		

«حمید برای این آمده است که درس بخواند.»

۶. شباهت و تفاوت‌های سببی‌سازی زبان‌های پشتو و دری

زبان پشتو در خانوادهٔ زبان‌های آریایی غربی یک زبان رایج و زبان زندهٔ باختری است. این زبان حتی نسبت به زبان‌های دیگر آریایی غربی و باختری با زبان‌های هندی در واژگان اشتراکات قابل توجه دارد (دوست شینواری، ۱۳۹۳، ص. ۴۲). زبان پشتو در اکثر ساخت‌ها و ترتیب سازه‌ها با دیگر زبان‌هایی آریایی مانند «فارسی» اشتراکات و تفاوت‌هایی دارد. ساخت سببی که به گمان غالب در زبان‌های جهان وجود دارد، شرایط ساخت آن با توجه به هر زبان متفاوت است. از این رو یک زبان آریایی «فارسی» در سببی‌سازی با

یک زبان آریایی دیگر «پشتو» تفاوت دارد، پس سببی‌سازی زبان پشتو نسبت به فارسی متفاوت است. می‌توانیم بگوییم که بارزترین نمونه‌های سببی زبان پشتو آن است که فاعل آن عامل باشد.

در زبان فارسی معلوم است که در سببی‌سازی یک وند «آن» را با فعل یکجا می‌کنیم و فعل را سببی می‌سازیم. در زبان پشتو وند مشخص را نمی‌توانیم نام ببریم که این وند با همهٔ افعال می‌آید و فعل را سببی می‌سازد. گاهی پسوند و گاهی ادات را می‌پذیرد. همچنان فعل کمکی که با یک فعل می‌آید در حالت سببی بودن شکل خود را تبدیل می‌کند (kwdəl تبدیل می‌شود به kawəl).

در زبان پشتو فعل «lamel kedəl باعث شدن» را اگر در نظر بگیریم، متمم اسمی را در ژرف‌ساخت بین دو سازه lamel kedəl صد درصد نمی‌توانیم بیاریم چون این فعل مرکب لازمی باید به‌صورت یکپارچه بیاید، ولی در زبان فارسی می‌توانیم متمم را در وسط فعل «باعث شدن» بیاریم.

معلوم شد که وضعیت سببی‌سازی افعال در زبان پشتو متفاوت نسبت به زبان فارسی است. زبان پشتو پسوند مشخص سببی ندارد ولی در حالات مختلف وضعیت‌های مختلف یا گوناگونی را پذیرا است. برای چنین امری در زبان پشتو معمولاً از ادات «پیشوند» کار می‌گیریم و سببی می‌سازیم. همچنان قیود را استفاده می‌کنیم و سببی می‌سازیم. افعال لازمی را تبدیل به متعدی و متعدی را دوباره متعدی یا سببی Causative می‌کنیم. در زبان پشتو افعال لازمی که وضعیت مجهول هم دارد مثلاً افعال مرکب که آخر آن «kedəl» یا «kedəl» آمده است، ما می‌توانیم به جای آن «kawəl» یا «awəl» بیاریم و آن را متعدی بسازیم.

اگر با این افعال متعدی یکی از این «aw» «war(bānde), pər, pre» را بیاوریم، از آن فعل سببی ساخته می‌شود. ولی این یک اصل کلی نیست که بگوییم «الف + ب» مساوی می‌شود با فعل سببی در زبان پشتو. وضعیت سببی‌سازی تنها اینگونه نیست بلکه ما افعال برابر سببی هم داریم که بدون «edəl» و «awəl» است. مثلاً فعل «manəl قبول کردن» بخشی از افعال غیرسببی به‌صورت مرکب هم استفاده می‌شود. مثلاً فعل «mrāway kedəl پژمرده شدن»، «widə kedəl خوابیدن» و امثال آن.

در هر دو زبان «پشتو و فارسی» سببی‌های ترکیبی وجود دارد، همچنان سببی‌های تکواژی نیز موجود است. میزان زایایی سببی‌های کمکی در زبان پشتو بیشتر است چون با اکثر افعال می‌آید و فعل را متعدی می‌سازد. بیشتر سببی‌هایی که در فارسی به کار می‌رود، در زبان پشتو هم وجود دارد ولی تفاوت‌هایی هم در این دو زبان دیده می‌شود که در این مقاله ذکر آن آمده است.

زبان فارسی از پسوند سببی‌ساز استفاده می‌کند، ولی زبان پشتو وضعیت متفاوت دارد. از پسوند (-

aw)، آدات (wΘ, pre, bānde)، همچنان بخش (awΘl)، یا (kawΘl) فعلی است که فعل را متعدی و بعد آن را دوباره متعدی یعنی سببی می‌کند.

۷. نتیجه

ساخت سببی جزو جهانی‌های زبان است و در همهٔ زبان‌ها به روش و با ساخت‌های دستوری ویژه‌ای نمود پیدا می‌کند. فعل سببی متعدی است ولی هر فعل متعدی الزاماً سببی نیست. فعل‌های متعدی همه یک نوع نیستند بلکه ویژگی‌های جداگانه دارند. دستور زبان پشتو نسبت به زبان فارسی کمی پیچیده است بنابر این وضعیت سببی‌سازی در زبان پشتو هم نسبت به فارسی پیچیده است و تابع یک اصل یا یک وند نیست، بلکه وضعیت متفاوت دارد. برای سببی‌سازی در زبان پشتو هم از پیشینه و هم از پسینه استفاده می‌شود همچنان از فعل کمکی برای این نوع ساخت استفاده می‌شود. افعال غیر سببی یا لازمی که با فعل کمکی kawΘl یا kedΘl ساخته شده است، بخش فعل کمکی آن باید در ساختن متعدی یا سببی تبدیل به kawΘl یا awΘl شود. این بدان معنی است که وضعیت سببی‌سازی در زبان پشتو ثابت و یکدست نیست، بلکه متفاوت است.

میزان زایایی سببی‌های کمکی در زبان پشتو بیشتر است چون با بیشتر افعال می‌آید و فعل را متعدی می‌سازد. بیشتر سببی‌هایی که در زبان فارسی به کار می‌رود، در زبان پشتو هم وجود دارد ولی تفاوت‌هایی هم در این دو زبان موجود است.

در این زبان از هر دو سببی‌های «صرفی و نحوی» یک جمله‌واره‌ای و دو جمله‌واره‌ای موجود است. مطلقاً نمی‌توانیم بگوییم که درصد استفادهٔ کدام مورد بیشتر است، ولی در رسانه‌ها و کتاب‌های ترجمه از نحوی‌ها بیشتر استفاده می‌شود. قیود و اداتی را هم در این زبان استفاده می‌کند که برای سبب و علت به کار می‌رود. در زبان پشتو ساخت‌های ترکیبی سببی و هم ساخت‌های سببی‌واژگانی وجود دارد.

۸. پی‌نوشت‌ها

1. Causative
2. Causee

۳. هربرت پنزل Herbert. P شرق‌شناس بود که دربارهٔ زبان پشتو بنام پشتوگر/مر یک دستور نوشته

است.

۴. صدیق الله «رشتین» از دستورنویسان مشهور زبان پشتو است و یکی از آثارش «د پشتو گرامر» یا «دستور زبان پشتو» است.

۵. «پشتو» اصلاً «pəsto» است. چون واج «ʃ» در دری و فارسی نیست، پس با تلفظ نزدیکش «ش» ذکر شده است.

۶. مجاور احمد «زیار» از دستورنویسان مشهور و معاصر زبان پشتو است و یکی از آثارش «پشتو پشویه» است.

7. Lindsay J Whaley

۸. «če» معادل «که» در زبان فارسی است.

۹. əm وند تصریفی است که برای مطابقت شخص متکلم به کار برده می‌شود.

۱۰. «sowunki» در اصل «sowunkay» است. در زبان پشتو اسامی‌ای که مختوم بر «ay» یا «ی» باشد در حالت فاعلی «ay» آخرش به «ä» تبدیل می‌شود و به حالت غیر اصلی یا مغمیره می‌آید.

۱۱. rā یک ضمیر سمتی است که برای شخص اول مفرد و یا جمع، مذکر یا مونث به کار برده می‌شود.

۱۲. (Nangarhar) نام استان شرقی افغانستان است.

۱۳. هم به همین ترتیب در گویش پیشاور وجود دارد. awrawəl

۱۴. این‌ها در عین حال «عامل» و «بهره‌ور» نیز هستند. Experiencer

۱۵. پیشاور اسم یک منطقه پشتون‌نشین در پاکستان فعلی است که در آنجا و دورو بر آن یک گویش زبان پشتو است که کمی متفاوت از لهجه معیاری و نوشتاری است.

۹. منابع

- پنزل، ه. (۱۳۸۹). د پشتو گرامر. ترجمه محمد رحیم الهام. کابل: انتشارات دانش
- دبیرمقدم، م. (۱۳۹۹). زبان‌شناسی: منظر ایرانی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی
- رشتین، ص.ا. (۱۳۹۸). ژبشودنه. جلال‌آباد: انتشارات مومند
- رشتین، ص.ا. (۱۹۹۴). پشتو گرامر. پیشاور: یونیورسیتی بک ایجنسی
- زاهدی، ک. (۱۳۸۹). شمایل‌های سببی در زبان فارسی. جستارهای زبانی، ۴، ۱۱۴-۱۳۱.
- زیار، م.ا. (۱۳۸۴). پشتو پشویه. کابل: انتشارات دانش

- شیرزاد، م.آ. (۱۳۹۵). پشتو نحوه. جلال آباد: انتشارات میهن
- گلفام، ا.، و بهرامی، خ. (۱۳۸۸). سببی سازی و تصویرگونگی. زبان پژوهشی الزهرا، ۱، ۱۴۳ - ۱۶۶
- نیفر، ن. (۱۳۹۵). بررسی معنایی، نحوی و کاربردشناختی سببی های مرکب در ترکی آذری. جستارهای زبانی، ۲، ۲۲۳ - ۲۴۳.

References

- Dabir-Moghaddam, M. (2020). *Linguistics: An Iranian perspective*. Allameh. [In Persian].
- Golfam, A., & Bahrami, X. (2009). *Causation and iconicity*. Alzahra. [In Persian].
- Nabifar, N. (2016). *Semantic, syntactic and pragmatic review of compound causatives in Turkish-Azeri*. Jostarhay Zabani. [In Persian].
- Penzal, H. (2010). *Də Pəšto grammar*. Danish. [In Persian].
- Reshteen, S. (2015). *Pashto grammar*. University. [In Persian].
- Reshteen, S. (2019). *Grammar*. Maihan. [In Persian].
- Sherzad, M. (2016). *Pashto syntax*. Maihan. [In Persian].
- Zahidi, K. (2010). *Symbols of causation in Persian language*. *Language Related Research*, 4, 114-131 [In Persian].
- Zeyar, M. (2005). *Pashto grammar*. Danish. [In Persian].

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی